



## بررسی وام‌واژگان فرانسوی و روسی در دیوان ایرج میرزا

مسعود باوان پوری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

وحید سجادی فر<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

طاهره ایشانی<sup>۳</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۱۵

### چکیده

زبان موجودی پویا و زنده است که همواره در حال دگرگونی، رشد و گسترش است. یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های پویایی زبان پذیرفتن وام‌واژه‌هایی است که تحت تأثیر روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و... از زبان‌های دیگر به آن زبان وارد می‌گردد. زبان فارسی نیز با وجود توان بالقوه در داشتن واژگان، از این امر مستثنی نبوده و شاهد حضور وام‌واژگان عربی، انگلیسی، فرانسوی، ترکی و روسی و... در آن هستیم. ایرج میرزا، شاعر دوره قاجار، یکی از شاعرانی است

1. masoubavanpouri@yahoo.com

2. vahid.sajjadifar1984@gmail.com

3. t.ishani1355@yahoo.com

که در شعر خویش از وام‌واژگان فراوانی بهره برده است. وی بیشتر از زبان و فرهنگ عربی تأثیر پذیرفته است. با مطالعه شعر وی می‌توان به وضوح وام‌واژگان فرانسوی و روسی را در شعر وی مشاهده نمود. وی از واژگان فرانسوی مانند آژان، ژاندارمری، تلفن، پودر و... و نیز وام‌واژگان روسی مانند: اسکناس، چمدان و اتو و... استفاده نموده است. پژوهش حاضر بر آنست با روش توصیفی-اسنادی و با بهره‌گیری از فرهنگ لغت‌های مختلف و ریشه‌یابی کلمات، وام‌واژگان فرانسوی و روسی در شعر وی را برای خوانندگان تبیین و بررسی نمایند.

**کلیدواژگان:** زبان، ایرج میرزا، وام‌واژه، فرانسوی، روسی

### مقدمه

بی‌شک زبان از بدو ایجاد جوامع بشری، یکی از اصلی‌ترین پیوندهایی بوده است که سبب استحکام همزیستی نوع بشر در کنار یکدیگر گردیده است. زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط، یعنی تفهیم و تفاهم میان انسانهاست (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۲). در واقع «زبان بمعنی وسیعش شامل هر گونه نشانه‌ایست که بتواند افکار و عواطف و معانی را از یکی به دیگری منتقل نماید (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۲۶). زبان فارسی یکی از غنی‌ترین زبان‌های جهان با پیشینه‌ای مشخص و روشن است که در طول تاریخ و بر اساس گرایش به دین مبین اسلام رگه‌هایی از فرهنگ و زبان اسلامی در آن تأثیر نهاده و سبب غنای بیشتر این زبان شده است. زبان پدیده‌ای پویا و زنده است که در طول زمان تحول می‌یابد و در وسعت و دامنه آن دگرگونی‌های زیادی رخ می‌دهد. بهترین نماینده‌ی تحولات فرهنگی هر ملت، زبان آن ملت یعنی کلمات و اصطلاحاتی است که در آن بکار رفته است (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۱۳۷). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان‌های مختلف، وام‌گیری از سایر زبانهاست که این قرض-گیری زبانی «روندی عام است که در بخش‌های گوناگون زبان به شکل‌های مختلف اتفاق می‌افتد. از این دیدگاه، قرض‌گیری زبانی به انواع: واژگانی، واجی و دستوری تقسیم می‌شود» (مدرسی، ۱۳۹۱: ۸۹). هیچ زبانی نیست که وام‌واژه‌های بیگانه در آن راه نیافته باشد)

رجب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۷). همه‌ی اهمیت وام واژه در آن است که نشان می‌دهد «پدیده‌های مادی و معنوی به چه آیینی در میان قوم وام‌دهنده رواج داشته و سپس وام گیرنده، در چه زمانی و در چه شرایطی به آن پدیده‌ها نیازمند شده و قالب کلمه‌ها را با همه‌ی محتوای معنایی‌شان به وام گرفته است» (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۱). به عبارت دیگر بررسی میزان داد و ستد وام واژگان در زبان‌های گوناگون نشان‌دهنده‌ی میزان روابط و مراودات و حتی تسلط اقوام و ملت‌های مختلف بر یکدیگر است. زبان فارسی نیز بر اثر همجواری با اعراب و نیز ورود دین مبین اسلام با فرهنگ و زبان عربی آشنا شده و با وام‌گیری زبانی از آنان بر غنای خویش افزوده است. در زمان صفویه و با ورود اروپاییان به ایران، بر اثر مراوده‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... واژگان آنان، که بر اثر نو بودن و اختراعات تازه در فارسی معادلی نداشت، وارد زبان فارسی گشته و مورد استفاده خاص و عام قرار گرفت و در واقع دیگر جزئی از زبان فارسی گردید. بیشترین بسامد وام واژگانی در زبان فارسی، جدا از تأثیر بسیار فاحش زبان عربی در آن، در میان اینگونه واژگان از آن وام واژگان وارد شده از زبان انگلیسی می‌باشد. همچنین می‌توان به ورود وام واژگانی از زبان‌های ترکی، فرانسوی و روسی نیز اشاره کرد.

### زندگینامه ایرج میرزا

ایرج میرزا، جلال‌الملک، شاعر قاجار (۱۳۴۴-۱۲۹۱ ه. ق) در تبریز بدنیا آمد. پدرش غلامحسین میرزا از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۸۹) و پدربزرگش ملک ایرج میرزا و جد اکبرش فتحعلی شاه همگی شاعر بودند (نادرپور، ۱۳۵۲: ۳۵۲). تحصیلات خود را در تبریز آغاز نمود و با حمایت و تشویق امیرنظام گروسی، پیشکار آذربایجان، فارسی و عربی و فرانسه آموخت (حائری، ۱۳۶۶: ۳۷) و از آقا محمد تقی عارف اصفهانی و میرزا نصرالله بهار شیروانی بهره فراوان برد (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۸۴). علاوه بر اطلاع کامل از عربی و فرانسوی، زبان ترکی را فرا گرفت و با زبان روسی نیز آشنا شد (محبوب، ۱۳۵۳: ص سی‌ام). اشعار ایرج میرزا از بهترین شاهکارهای ادبیات معاصر ایران است (برقی، ۱۳۲۹: ۱۶). اطلاع وی از ادبیات ملل مختلف موجب شد تا روش قدیم را رها کند و خود

شیوه‌ای خاص به وجود بیاورد (صفا، بی تا، ۳/ ۲۶۲). زبان و بیان او از حیث نرمی و روانی و سهل و ممتنع بودن به شعر سعدی می ماند و به همین سبب بسیاری از ابیات او مانند ضرب-المثل شده‌اند (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۵۸).

### پیشینه پژوهش

تاکنون درباره داد و ستد وام‌واژگانی مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده است که برخی از آنان که نزدیک به پژوهش حاضر نیز هست، عبارتند از؛ رجب‌زاده (۱۳۸۱) جنبه‌های گوناگون أخذ و اقتباس وام‌واژه‌های باختری را در زبان ژاپنی مورد واکاوی قرار داده است که وی در این پژوهش تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی را مد نظر داشته است، آذرنوش (۱۳۸۶) واژه‌های عربی شده در زبان عربی را بر اساس نظم زمانی و سپس حوزه مکانی بررسی و تحلیلی کرده است، میرزایی و رحمتی ترکاشوند (۱۳۸۹) نمود وام‌واژگان فارسی در دیوان ابی نواس را موضوع پژوهش قرار داده‌اند. در این پژوهش بیان شده است که بسیاری از وام‌واژه‌های فارسی به شکل عربی شده در دیوان ابی نواس دیده می‌شوند. محمدی و عبدالتاج‌دینی (۱۳۹۲) بحث کاستی‌های ریشه‌یابی واژه‌گانی در فرهنگ بزرگ «سخن» را نقد کرده‌اند و ضمن بررسی ۹۰ واژه در فرهنگ سخن این نتیجه را اثبات کرده‌اند که بسیاری از واژه‌هایی که وام‌واژه روسی تلقی می‌شوند، در اصل واژه‌های ایرانی هستند که به زبان روسی رفته و سپس به فارسی بازگشته‌اند. همچنین درباره شعر و زبان ایرج میرزا نیز تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی نوشته شده است؛ صارمی (۱۳۸۶) بیان کرده است که زبان ایرج میرزا در عین سادگی، بستری اعجاب‌انگیز برای بیان مفاهیم سیاسی، انقلابی و اجتماعی زمان خود بود است. سبزیانپور (۱۳۸۷) با بررسی مضمونی شعر ایرج، بیان کرده است که بسیاری از مضامین شعر عرب در شعر ایرج میرزا نیز نمود شاخص یافته است که این نمود بیش از هر چیز به طور مستقیم از آثار قدمای فارسی بوده است تا شعرای عرب، حاتمی و

صفایی قهفرخ (۱۳۹۱) در موضوع جایگاه زن در شعر ایرج میرزا و دو شاعر دیگر را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. با توجه به موارد یاد شده و بررسی‌های متعدد در سایر پژوهش‌ها و سایت‌های علمی، هیچ مقاله‌ای که به بررسی وام‌واژه‌های فرانسوی و روسی در دیوان وی پرداخته باشد، مشاهده نشد و بیشتر پژوهش‌های این حوزه، مضامین فکری و ادبی شعر ایرج میرزا را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند.

### ضرورت و سؤال پژوهش

با توجه به آشنایی شاعر با زبان‌های فرانسوی و روسی بدون شک وی از این دو زبان در شعر خویش بهره برده است و شناخت بخش دیگری از توانمندی‌های شاعر ضرورت این پژوهش را ایجاب می‌کند. مقاله حاضر بر آنست با استفاده از روش توصیفی-اسنادی و با بهره‌گیری از فرهنگ لغت‌های مختلف و با ریشه‌یابی کلمات، وام‌واژگان فرانسوی و روسی را در شعر وی مشخص نموده و به ذکر نمونه‌هایی از هر یک پردازد. سؤال اساسی در این پژوهش این است که ایرج میرزا تا چه میزان از وام‌واژگان در شعر خویش بهره برده است؟

### وام‌واژه‌های فرانسوی در دیوان ایرج میرزا

سعی شده است بعد از ذکر هر کلمه با ریشه‌یابی آن در فرهنگ لغت‌ها و اثبات فرانسوی یا روسی بودن به ذکر نمونه‌ای از آن در دیوان ایرج میرزا پرداخته شود.

### آرشیو

«(فر) (archives) جایی که در آن اسناد، تصاویر، صفحات موسیقی، نوار و مانند آنها را نگهداری کنند» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۲۸). «آرشیو: بایگانی» (قریب، ۱۳۷۷: ۱۶؛ پارسا، ۱۳۸۵: ۷).

وجود واژه‌هایی مانند آرشیو در ابیاتی از این دست در اشعار ایرج میرزا خود بیانگر تأثیرپذیری مستقیم و گسترده‌برداری سیستم اداری آن دوره از سیستم اداری متداول در کشورهای غربی و اروپایی در آن زمان بوده است

ابتدا گردی ثبات و سپس آرشیو      پست بعد منشی شوی و بعد رئیس دفتر

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۵)

## آژان

«(فر) پاسبان» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۳۳). «(فر) agent کارگزار، نماینده، پاسبان» (عمید، ۱۳۵۹، ۱/۳۰).

آژان یکی از واژگان وام گرفته شده از زبان فرانسه است که در زبان فارسی، چه در گذشته و چه در زمان حال که در مواردی خاص بکار برده می‌شود، بار معنایی چندان مثبتی نداشته و ندارد. شاید علت اصلی این بار معنایی سختگیری‌ها و سوءاستفاده‌هایی بوده است که این قشر با استفاده از موقعیت شغلی خود در برخورد با مردم انجام می‌داده‌اند. البته استفاده از این وام واژه‌ی فرانسوی در این بیت خود نشانگر تأثیرپذیری ساختار نیروی امنیتی در شهرها از ساختار پلیس در اروپا و غرب بوده است

چه کنم؟ چاره جز انکار در آن موقع نیست      به آژان گوید اگر بیشتر اصرار کنم

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۳۷)

## پاراف

«پیچ و تاب و قوسی که برای جلوگیری از جعل به امضای خود می‌دهند» (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۷۰، ۵/۴۳۱۶). «(فر) paraphe, parafe صورت کوتاه شده امضا» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۴۳۰).

وارد شدن واژه‌هایی چون پاراف در ادبیات اداری دوره شاعر بیانگر تأثیرپذیری سیستم اداری و حتی نگارش مکتوبات، تنظیم اسناد و نامه‌های اداری از نحوه‌ی نگارش این موارد در بروکراسی غربی و اروپایی است. در بیت زیر ایرج میرزا وام واژه‌ی پاراف را به همراه معادل آن یعنی امضاء در یک مصراع بکار برده است

هی پاراف هشتم و امضاء کردم      خاطر مدعی ارضا کردم

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۴ )

## پرسنل

« Personel (فر) مجموعه کارمندان، کارکنان یک سازمان یا اداره: پرسنل بیمارستان، پرسنل هواپرواز» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۴۶۲). « پرسنل: کارکنان، کارمندان، اعضای اداره ۲- اشخاص حرفه خاصی، مجموعه کارمندان یک اداره، مجموعه کارمندان یک بنگاه ۳- اداره کارگزینی، اداره استخدام ( آریان پور کاشانی، ۱۳۷۰، ۴/ ۳۹۱۱).

با توجه به تأثیر بسیار زیاد اروپا و غرب در دوره صفویه و قاجار بر ایران، استفاده از وام واژگانی چون پرسنل در شعر ایرج میرزا و نوشتار و گفتار زبان فارسی که خود دارای چندواژه‌ی معادل آن است، نشانگر تأثیر قوی و نیز گرایش فارسی‌زبانان در استفاده از اینگونه وام واژگان است

اندر این دایره یک آدم نیست پرسنل نیز به آدم منضم نیست

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۳ )

## پلتیک

«( poltigue (فر) سیاست، حقه‌بازی، نیرنگ» (قریب، ۱۳۷۷: ۲۱۸). « pol(e)tik کردار یا رفتار همراه با زیرکی و سیاست» (صدری افشار، ۱۳۷۵: ۲۸۴). «سیاست و اصل آن پلتیک است» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۵۸) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پلتیک نیز از آن دسته وام واژگان فرانسوی است که هم در زبان نوشتاری و هم زبان کوچه و بازار دارای بار منفی‌ای چون نیرنگ و حقه‌بازی بوده است. در این بیت از ایرج میرزا نیز همین بار معنای مد نظر می‌باشد

کاندر پلتیک هم در ایران زین پس نکنند هیچ اهمال

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۹۲ )

## پوتین

« فرانسوی bottine کفش ساقه بلند که ساقه آن تا میج پا می‌رسد » (عمید، ۱۳۵۹، ۱/ ۲۷۱؛ انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۵۰۱).

پوتین جزو لباس‌های نظامی غربی بوده که در آن دوره وارد ایران گردید و پوشیدن پوتین یک نوع تجددگرایی محسوب می‌گردید. در ابیات زیر شاعر با آوردن این واژه در کنار دیگر لباس‌ها و وسایل که بیشتر آنها غربی هستند، به همین تجددگرایی اشاره کرده است

یقه است پاک و کلاه‌یست نو و سر دست تمیز عینک و دستکش و ساعت و پوتین درخور  
( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۴ )

به پا پوتین و در سر چادر فاق نمایی طاق بی طاقان طاق

(همان: ۸۴)

## پلیس

« (agent de police) » (پارسایار، ۱۳۸۰: ۱۱۲). « (فرانسوی) ۱- مجموعه افرادی که با استفاده از اختیارات قانونی خود، در جهت ایجاد نظم، امنیت و آرامش در شهر، کشور و جامعه تلاش می‌کنند ۲- هر یک از افراد متعلق به این مجموعه ۳- جایی که افراد این مجموعه در آن مستقر هستند » (عمید، ۱۳۵۹، ۱/ ۲۶۶). « پاسبان، نگهبان، کشیک‌دار، مأمور نظم در شهرها » (آموزگار، ۱۳۵۰: ۲۰۵).

استفاده از وام واژه‌ی پلیس نشانگر گرده‌برداری کامل از غرب و اروپا، در تأسیس نیروی مدرنی بعنوان نیروی پلیس است که مسئول ایجاد نظم و امنیت در شهرها می‌باشد. در بیت زیر به نظر می‌رسد که ایرج میرزا دید مثبتی نسبت به آن ندارد

حالت پارس که گردیده ز تأسیس پلیس آتش فتنه در آن تیز فراموش مکن

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۹۵ )

امر قزاق که چون امر پلیس است و بود عاقبت مفسدت‌آمیز فراموش مکن



( همان: ۱۹۵ )

## پودر

« powder فرانسوی، هر چیزی که کاملاً خرد شده و به صورت ترد در آمده باشد، پودر سیر، پودر فلفل، پودر کشک ۲- گرد فشرده آرایشی که برای خوش رنگ و صاف و یک دست نشان دادن پوست صورت به کار می‌رود، پنکک» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۵۰۲). « ۱- گرد ۲- باروت ۳- گرد و خاک» (پارسایار، ۱۳۸۰: ۶۷۱).

این وام واژه یکی از لوازم آرایشی است که از اروپا وارد ایران گردید و شاید معادل همان سفیداب در زبان فارسی باشد. در این بیت ایرج میرزا هیئت یک بانوی متجدد ایرانی را به تصویر کشیده است

از آن لطافت و آن پودر و پارافم و توالت شیشه مادموازلهای برن و برلین است

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۵)

## ترن

« فر train قطار» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۶۰۲). « ۱- وسیله نقلیه به صورت تعدادی واگن متصل به یک لکوموتیو که بر روی ریل حرکت می‌کند، قطار، راه آهن» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۳۸). «فرانسوی، واگن‌های مسافری یا باری که روی خط آهن حرکت می‌کند، قطار» (عمید، ۱۳۵۹، ۱/ ۳۲۲). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بیت زیر ایرج میرزا با ترکیب ترن و رشد دست به ابداع یک اضافه تشبیهی زده است که وجه شبه در آن سرعت است

موتور نامیه از کار افتد      ترن رشد ز رفتار افتد

( ایرج، ۱۳۵۳: ۱۲۶ )

## تلفن و تلگراف

« telephon (فر) دستگاهی که به وسیله آن از مسافت دور با هم صحبت می‌کنند، دستگاه انتقال اصوات بوسیله سیم» (عمید، ۱۳۵۹، ۱/ ۶۰۹)

« telegraphe فر، (برق) ۱- نوعی دستگاه مخابراتی که در آن به کمک سیم برق یا سیگنال‌های رادیویی، پیام از جایی به جای دیگر ارسال می‌شود ۲- پیام نوشته شده‌ای که از طریق این دستگاه ارسال می‌شود» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۶۵۶). «tehgraphe: سیستم» (پارسایار، ۱۳۸۰: ۵۶۵).

تلگراف و تلفن دو اختراع بزرگ عصر بحساب می‌آمده‌اند که طبیعتاً بخاطر بدیع بودن هیچگونه معادلی در زبان فارسی نداشته‌اند. از خصوصیات تلفن و تلگراف، سرعت در انتقال پیام و آنی بودن است که ایرج میرزا با آوردن این دو وام‌واژه از این ویژگی‌ها استفاده شاعرانه کرده است

نه تلگراف به گردم برسد نه تلفن که خدا سرعت و سیر دگری داده مرا  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۳)

بر دلم دایم از او بیم آمد تلگرافات که بی سیم آمد  
(همان: ۱۲۰)

نیز در صفحه ۲۱۵ تکرار شده است.

## توالت

« (فر) toilette ۱- مستراح ۲- آرایش صورت (معمولاً در مورد زنان)» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۶۷۷). «مستراح، آبریزگاه، آرایش» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۷۱). «کلمه فرانسوی، بزک، چاسان فاسان» (دهخدا، ۱۳۳۰، ۱۵/ ۱۰۶۹).

البته امروزه وام‌واژه‌ی توالت بجز در واژه‌های مرکبی چون میز توالت که به معنای میز آرایش است، به معنای آبریزگاه و مستراح استفاده می‌گردد. اما در بیت زیر گویا با توجه به دیگر وام‌واژه‌ها چون پودر و پارافن و.. گویا منظور معنای محل آرایش یا آرایشگاه مستفاد می‌گردد  
از آن لطافت و آن پودر و پارافم و توالت شبیه مادموازل‌های برن و برلین است

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۵)

## دمکرات

« democrat مردم سالار» (پارسای، ۱۳۸۵: ۲۷۹). «(فر) (سیاسی) ۱- معتقد به دمکراسی، طرفدار دمکراسی ۲- دارای حکومت دمکراسی» (انوری، ۱۳۸۲، ۱: ۱۰۵۹). «(مأخوذ از فرانسوی) طرفدار دمکراسی، علاقه مند به حکومت ملی، معتقد به مساوات اجتماعی، آزاد منش، آزادی طلب، مساوات خواه» (دهخدا، ۱۳۳۰، ۲۳/۲۴۵).

این وام واژه که از وام واژه‌های سیاسی است که از فرانسه وارد زبان فارسی گردید و نشانگر تأثیرپذیری سیاست و ادبیات سیاسی دوره شاعر از غرب بوده که در اشعار ایرج میرزا هم به چشم می‌خورد

چه می‌فرمود آقای کمالی دمکرات، انقلابی، اعتدالی

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۹۰)

## دوئل

«(فر) duel مبارزه دو نفره با یکدیگر برای اعاده حیثیت یا کسب چیزی که با اسلحه سرد یا گرم و طی مراسم خاصی صورت می‌گیرد. این شیوه مبارزه در کشورهای غربی مرسوم بوده است» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۱۰۸۳)

دوئل نوعی مبارزه به سبک غربی است که ایرج میرزا در بیت زیر وام واژه‌ی دوئل را به معنای جنگیدن و شاید خود را به کشتن دادن به کار برده است

من نه تو را بیهوده ول می‌کنم گر ندهی بوسه دوئل می‌کنم

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۰۳)

## رمان

«(فر) romane داستان، افسانه» (قریب، ۱۳۷۷: ۵۲۲). «(فر) romen داستانی که به نثر نوشته شود و شامل حوادثی ناشی از تخیل نویسنده باشد» (معین، ۱۳۶۲، ۲/۱۶۷۳، پارسای، ۱۳۸۵: ۳۰۴). «داستان بلندی که به نثر نوشته شده و شامل رویدادهای زندگی بشری باشد،

رومان» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۶۰۱). «رمان: داستان بلند و منشور» (آریان‌پور، ۱۳۸۷: ۷۶۶).

رمان نوع جدیدی از ادبیات بوده است که در ادبیات فارسی پیشینه‌ای بومی نداشته و در بیت زیر شاعر آن را به مفهوم داستان بکار برده است

مکر زنان خوانده‌ام اندر رمان      عشق زنان دیده‌ام از این و آن

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۰۱)

### دوسیه و کارتن

«فر dossier (منسوخ) پرونده» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۵۶۷). «فر carton

۱- جعبه‌ای مقوایی که برای بسته‌بندی وسایل بکار می‌رود و معمولاً به راحتی باز و بسته می‌شود ۲- (منسوخ) پرونده ۳- (منسوخ) جلد مقوایی اوراق پوشه» (انوری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۷۵۲). «مقوا، کارتن، جعبه مقوایی، قوطی، بسته، کارت دعوت، کیف» (پارسایار، ۱۳۸۰: ۹؛ آریان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۷۱).

در بیت زیر شاعر هر دو وام‌واژه را در یک بیت بکار برده است که با توجه به اشاره‌ی ابیات زیر به دو وام‌واژه‌ی دوسیه و کارتون که هر دو از ملزوماتی هستند که در بایگانی مکتوبات و مستندات در سیستم اداری بکار گرفته می‌شوند، می‌توان تأثیرپذیری بخش اداری آن دوره از سیستم اداری غرب و اروپا را به وضوح مشاهده کرد

بسکه در هنگام لیور و هنگام لته      دوسیه کردم و کارتن ترنه

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۴)

هی بده کارتن و بستان دوسیه      هی بیار از در دکان نسبه

( همان: ۱۲۴)

«(فر) restaurant جایی دارای سالن و میز و صندلی که در آن غذا و نوشیدنی عرضه می-شود» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۱۱۳۲). «جایی که از مشتریان با خوراک و نوشیدنی پذیرایی می-کنند» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۵۶۷). رستوران یکی از مکان‌های مدرن بحساب می‌آمده که در دوره قاجار بر اثر گسترش روابط با غرب ایجاد آن رواج پیدا کرد که در ایات زیر ایرج میرزا به آنها اشاره نموده و در بیت دوم در مقام دفاع از رواج و ایجاد آنها برآمده است

کنار رستوران قلا نمودی      ز ... کنهای تهران در ربودی

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۷۶)

زن رو بسته را ادراک و هش نیست      تا تر رستوران ناموس کش نیست

(همان: ۷۹)

### ژاندارم و ژاندارمری

«(فر) gendarme مأمور حفظ امنیت در جاده‌ها و راه‌های خارج از شهر، امنیه» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۲۲۶). «مأمور انتظامی» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۶۴۵). ژاندارمری: فر gendarmerie اداره مسئول حفظ امنیت در جاده‌ها و راه‌های خارج از شهر است» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/۱۲۲۹). «سازمان دولتی که حفظ نظم و قانون را در بیرون از نقاط شهری ایران بر عهده داشت» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۶۴۵؛ معلم، ۱۳۶۲، ۱/۱۰۹۸).

ژاندارم و ژاندارمری در اشعار ایرج میرزا دارای بار منفی چون سختگیری، زورگویی و همچنین مکانی محسوب می‌شود که بی‌منطقی در آن حکمفرماست

یکی ژاندارمری برپا نموده      که دنیا را پر از غوغا نموده

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۸۷)

به هر جا یک جوانی با صلاح است      در این ژاندارمری تحت سلاح است

(همان: ۸۷۹)

نیز در ص ۸۷، ۸۹، ۹۳، ۲۱۵ این کلمه بکار رفته است.

## ژنرال

« (فر) general سرلشکر» (آریان‌پور، ۱۳۸۷: ۷۶۶). «افسر، افسر ارشد» (قریب، ۱۳۷۷: ۵۵۸). «سرلشکر، تیمسار» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۶۴۷). «سرتیپ، سرلشکر» (معین، ۱۳۶۲، ۱۷۷۷/۲).

هر چند این وام واژه بسبب داشتن معادل‌های قوی در ادبیات نظامی ایران جایگاه چندان مستقلی نداشته است اما بسبب روابط گسترده‌ی نظامی و سیاسی ایران با دنیای غرب و اروپا، این وام واژه وارد زبان فارسی گردید. در بیت زیر ایرج میرزا از این وام واژه در مفهوم کنایه‌ای آن که بالا بودن رتبه و مقام است، استفاده شاعرانه کرده است

پیش خود فکر به حالم کردند      انسپکتر ژنرالم کردند

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۲)

## ژیمناستیک

« (فر) یکی از رشته‌های ورزشی با حرکات هماهنگ و موزون بر روی زمین یا با استفاده از اسباب‌هایی مانند پارالل، بارفیکس، حرک حلقه، دارحلقه و حرک پرش انجام می‌شود» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۱۲۳۲؛ معین، ۱۳۶۲، ۱۷۷۹/۲). «(فر) نوعی ورزش، ورزش‌های بدنی» (قریب، ۱۳۷۷: ۵۵۹).

در بیت زیر ایرج میرزا از وام واژه ژیمناستیک به مفهوم جهش و فعالیت بدنی استفاده کرده است

به گاه جست و خیز و ژیمناستیک      تو گویی هست اعضاشان ز لاستیک

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۸۷)

## سیگار

«(فر) کاغذ نازک به شکل استوانه‌ای کوچک که داخل آن را از توتون انباشته‌اند و آن را می‌کشند» (معین، ۱۳۶۲، ۲/ ۱۹۸۰). «استوانه‌ای کوچک از توتون فشرده که آن را برای دود کردن در کاغذ نازکی پیچیده‌اند» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۷۱۰؛ قریب، ۱۳۷۷: ۶۲۷).

البته استفاده از تنباکو به اشکال مختلف در ایران رواج داشته است اما وام واژه‌ی سیگار همراه این نوع جدید از دخانیات وارد ایران شد و با گسترش روزافزون استفاده از آن، به عنوان وام واژه‌ای بی‌رقیب در زبان فارسی تا به امروز باقی مانده است

گر من بیرم از تو دو جوراب ستانم      بستان تو یک قوطی سیگار زر از من  
( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۹۶)

### سینما

«(فر) ملخص سینماتوگراف، و آن نمایش مناظر و اشیا و اشخاص است بر روی پرده بوسیله دستگاه مخصوص ۲- محل نمایش فیلم» (معین، ۱۳۶۲، ۲/ ۱۹۸۵؛ دهخدا، ۱۳۳۰، ۲۹/ ۷۸۲). «نشان دادن فیلم، محل نمایش» (آریان‌پور، ۱۳۸۷: ۸۴۱).

سینما و فیلم به عنوان جادوی قرن در دوران اختراع آن، تحوّل بسیار بزرگ و جذاب به حساب می‌آمده است. این تحوّل و پدیده‌ی نوظهور که سینما نام گرفت، در بیشتر زبان‌های ملّت‌هایی که سینما وارد آنها گردید، وام واژه‌ای تثبیت شده به حساب می‌آید که همچنان تا به امروز بدون جایگزین بکار گرفته می‌شود. در این بیت شاعر این وام واژه را در ساختار یک تشبیه بکار برده است

این همه نقش که بر صحنه گیتی پیداست      سینمایست که از دیده‌ی اختر گذرد  
( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۶۷)

### شیک

«(فر chic از آل schick) ۱- دارای ظاهر مرتب و آراسته و مد روز ۲- زیبا، لوکس، برازنده ۳- نوعی رقص» (انوری، ۱۳۸۲، ۲/ ۱۴۵۲). «مأخوذ از فرانسه، ۲- واژه فرانسوی، در

فارسی به معنی خوش لباس و دارای سر و وضع مرتب به کار می‌رود و گاه این صفت را برای اشیا زیبا و جالب توجه بکار می‌برند، خانه شیک، مبل شیک و غیره» (دهخدا، ۱۳۳۰، ۳۱/۲۲۲). «قشنگ پوش» (معلم، ۱۳۶۲، ۱/۱۳۱۳).

بسیاری از وام‌واژگان که به ابزار، وسایل و کالا اطلاق می‌شوند، پدیده‌های نوظهوری به حساب می‌آیند که پیشینه‌ای در زبان‌ها و کشورهای میزبان نداشته‌اند. اما در این بین وام‌واژگانی به چشم می‌خورند که خود دارای معادل و مترادفات فراوان هستند اما با وجود آنها باز هم از وام‌واژه‌های مترادف آنها استفاده می‌گردد. این امر خود دلیلی قوی برای تاثیرپذیری زبان و گرایش مردم جامعه به استفاده از وام‌واژگان از زبان‌های دیگر است. وام‌واژه‌ی شیک یکی از همین وام‌واژه‌ها به حساب می‌آید که ایرج میرزا آن را در این بیت بکار برده است. حتی شاعر در این واژه دست به ساخت صفت عالی طبق دستور زبان فارسی زده است

آنچنان شیک و مد خوب نگاهت دارم      که ز هر با مُد این شهر شوی با مُدتر

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۳)

### فابریک

«(فر) ۱- آنچه در کارخانه سازنده اصل ساخته شده باشد و حاصل کپی‌سازی، بازسازی یا تعمیر نباشد، اصل ۲- (منسوخ) کارخانه» (انوری، ۱۳۸۰، ۲/۱۶۱۷). «(فرانسوی) کارخانه، کارخانه پارچه بافی، مصنوع کارخانه از پارچه و غیر آن» (دهخدا، ۱۳۳۰، ۲/۳۷). «فر، کارخانه» (قریب، ۱۳۷۷: ۷۹).

استفاده از وام‌واژه‌ها در زبان به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد. گاه با استفاده از دستور زبان فارسی با هدف ایجاد معانی جدید و گاه ساخت انواع صفت، در آنها دست به دگرگونی زده‌اند. گاه این وام‌واژه‌ها بدون هیچ دگرگونی، اما با معنایی دیگری در زبان بکار گرفته می‌-



شوند. فابریک یکی از همین وام واژه‌ها است که همانگونه که در این بیت ایرج میرزا شاهد آن هستیم به معنای اصلی و نو بکار گرفته شده است

کاش چرخ از حرکت خسته شود      در فابریک فلک بسته شود

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۶)

### کافه

«(فر) جایی که در آن چای و قهوه و بستنی و امثال آن صرف کنند، قهوه‌خانه، چایخانه» (قریب، ۱۳۷۷: ۸۸۳). «رستوران، کافه تریا، کافه قنادی» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۸۸۵). «(فر) تریا» (انوری، ۱۳۸۲، ۱۷۶۹ / ۲)

ایجاد ارتباط با غرب و اروپا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باعث داد و ستدهای مختلف در این عرصه‌ها گردید. کافه نیز یکی از پدیده‌های جدید شهری بوده است که تحت تأثیر جوامع و فرهنگ غربی در ایران آن دوره ایجاد شده است. ایرج میرزا در این بیت که همراهی مدام خود را با معشوقش بیان می‌کند، این وام واژه را بکار برده است

روی سکوی فلان کافه خورم با او چای      در دکان چلویی با او نهار کنم

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۳۸)

### کابینه

«(مأخوذ از فرانسه) اطاق، دفتر (هیئت وزیران، مجموع وزراء، دولت، مستراح)» (دهخدا، ۱۳۳۰، ۲۳/۳۹). «kabine هیئت وزیران» (آریان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۷۵)

با توجه به تفاوت ساختاری حکومت‌های ایرانی با حکومت و دولت‌های اروپایی و غربی و نیز ناآشنایی ادبیات سیاسی ایران آن زمان با بسیاری از ویژگی‌ها و اختصاصات ساختاری این حکومت‌ها، بعد از ایجاد روابط در زمینه‌های مختلف از جمله روابط سیاسی بسیاری از این مختصات از این کشورها گرفته‌برداری شد. کابینه به معناهای ذکر شده یکی از این موارد است

که با ایجاد آن، وام واژه‌ای را که به آن اطلاق می‌شد نیز وارد زبان فارسی گردید. در بیت زیر ایرج میرزا این وام واژه را به معنای مجموعه‌ی وزرا بکار برده است

این شنیدم که چو کابینه مستوفی رفت      فرصت افتاد به کف مردم فرصت جو را  
( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۶۲ )

که نجنگیده و نشانده فرو کینه تو      ناگهان سر برسد دوره کابینه تو  
( همان: ۲۱۶ )

### کلوپ

« فر kolup باشگاه » ( انوری، ۱۳۸۲، ۱۸۳۱ / ۲، معلم، ۱۳۶۲، ۱۶۸ / ۲ ). یکی دیگر از پدیده‌های شهری که همانند رستوران و کافه از فرهنگ و جوامع اروپایی گرفته- برداری شد، کلوپ‌ها بودند که تا آن زمان در میان ایرانیان مسبوق به سابقه نبوده است. با توجه به این امر هیچ واژه‌ی دیگری که مترادف و معادل آن باشد جایگزین این وام واژه نگردیده است. در بیت زیر نیز ایرج میرزا این وام واژه را بمعنای محل نشاط و شادی بکار برده است

در کلوپ‌ها نتوان کرد همه وقت نشاط انسانی وسط در هتل‌ها نتوان برد همه عمر به سر  
( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۱۹ )

### لاستیک

« ( فر ) چرم ماندی از کائوچو، رویه چرخ و ساینده نقلیه ( مانند اتومبیل )، کشدار » ( قریب، ۱۳۷۷: ۹۷۱ ). « ۱- هریک از اجسام طبیعی یا مصنوعی که دارای خاصیت کشسانی، انعطاف- پذیری زیاد باشد ۲- چرخ لاستیکی و ساینده نقلیه » ( صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۷۷ ). ( فر ) ۱- تایر، ۲- نوعی پلیمر طبیعی یا مصنوعی، جامد، انعطاف‌پذیر و لاستیک که تایر چرخ

خودروها، عایق‌های الکتریکی، دستکش‌های ظرفشویی و مانند آنها را از آن می‌سازند» (انوری، ۱۳۸۲، ۲/۱۹۷۴).

لاستیک یکی از مصنوعات بوده است که بصورت پدیده‌ای نو از اروپا و غرب وارد ایرن گردید و تحت همین نام نیز در میان ایرانیان رواج پیدا کرد و بصورت یک وام واژه‌ی زنده تا زمان ما خودش را حفظ و تثبیت کرده است. در این بیت شاعر ضمن استفاده از این وام واژه، از خصوصیت انعطاف‌پذیری لاستیک استفاده‌ی شاعرانه کرده است

به گاه جست و خیز و ژیمناستیک تو گویی هست اعضایشان ز لاستیک

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۵)

### موتور

«(فر) ۱-moteur - وسیله‌ای که انرژی الکتریکی یا انرژی حاصل از سوخت را به حرکت یا انرژی مکانیکی تبدیل می‌کند ۲- آنچه باعث حرکت می‌شود؛ عامل حرکت ۳- موتورسیکلت» (انوری، ۱۳۸۲، ۲/۲۳۲۳). «ماشین محرک، دستگاه محرک ماشینها» آموزگار، ۱۳۵۰: ۸۹۱؛ صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۰۸۵).

شاعر با اضافه نموده نامیه به موتور، اضافه تشبیهی بدیعی به وجود آورده است

موتور نامیه از کار افتاد ترن رشد ز رفتار افتاد

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۶)

### نت

«(fr) الفبای موسیقی، سیاهه، یادداشت» (معلم، ۱۳۶۲، ۲/۲۲۸۳). «(فر) یادداشت، الفبای موسیقی» (قریب، ۱۳۷۷: ۱۲۲۶). «یادداشت» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۷۵۷). «نشانه گرافیکی معروف یک صدا در نظام خطوط حامل - یادداشت» (انوری، ۱۳۸۲، ۲/۲۴۱۲).

گفته شد که آشنایی با غرب در ابعاد مختلف در ایران تاثیرگذار بود. طبیعتاً هنر نیز مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از این داستان بی‌نصیب نبوده است. موسیقی یکی از همین موارد است که تحت تاثیر اصول موسیقی غرب دچار تغییر و تحول گردید. این

تحولات همراه با ورود یک سری وام‌واژه‌ها در حوزه موسیقی بوده است. نت یکی از همین وام‌واژگان است که ایرج میرزا آن را در بیت زیر بکار برده است

بسکه نت دادم و آنکت کردم      اشتباه بروت و نت کردم

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۴ )

### هتل

«(فر) مهمانخانه، در اصطلاح شهرداری هتل بالاتر از مهمانخانه است» (معین، ۱۳۶۲، ۴/۵۱۰۴).

مهمانخانه» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۸۰۰)

در زمان شاعر هتل‌ها در واقع مسافرخانه‌هایی بودند که به سبک و سیاق اروپا و غرب ساخته شده بودند و جزو مکان‌هایی بودند که همه توان اقامت در آنها را نداشتند. شاعر در بیت زیر از این وام‌واژه در همان معنا بهره برده است

در کلویها نتوان کرد همه وقت نشاط      در هتلها نتوان برد همه عمر به سر

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۱۹ )

تخت و تاج همه را اول کرده علوم انسانی      در هتل‌های اروپا معتکف است

( همان: ۱۶۸ )

### وام‌واژه‌های روسی در دیوان ایرج میرزا

#### اسکناس

«(رو) پول کاغذی» (قریب، ۱۳۷۷: ۷۲). «قطعه‌های کاغذی چاپی بهادار که بر روی آن ارزش مبادله‌ای، نام ناشر و کشور منتشرکننده‌ی آن چاپ شده است، پول کاغذی» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۴). «کاغذی که اعتبار پول به آن داده‌اند» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۴۶)

شاید نتوان گفت که پول کاغذی از چه زمانی وارد ایران گردید و یا اینکه با توجه به وجود اسنادی چون برات و غیره وجود چیزی شبیه به پول کاغذی در ایران مسبق به سابقه بوده است یا نه اما آنچه که از وام واژه‌ی اسکناس برمی آید، این است که ساختار پول کاغذی از ساختار اروپایی و غربی آن بی تأثیر نبوده است

در بیت زیر شاعر اسکناس را صرفاً در مفهوم پول و سرمایه نقدی بکار برده است.

مژن آباد را فنای کردی                      لیره و اسکناس جا کردی

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۴۰)

### اتو (اطو)

« (رو) آلتی آهنی که با گرم کردن آن چین و نورد جامه را برطرف سازند» (قریب، ۱۳۷۷: ۳۷). « (روسی) وسیله‌ای فلزی که با برق یا زغال گرم می‌شود و با آن چروک‌های لباس یا پارچه را برطرف می‌سازند» (عمید، ۱۳۵۹، ۱/ ۴۸). « وسیله‌ای دارای دسته‌ای عایق و کفه‌ای مسطح فلزی که با برق یا زغال گرم می‌شود» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۸۵).

این وام واژه‌ی روسی نیز چون بر وسیله و ابزاری اطلاق می‌شود که قبلاً در ایران معادل و ماندنی نداشته به همین دلیل در اشعار ایرج میرزا به همان نام روسی خود بکار رفته است

کفش تو واکس زده جامه اطو خورده بُود                      هر کر کان را در پا کنی این در در بر

( ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۴)

نیز در ص ۱۰۴ و ۱۳۷ به کار رفته است.

### چمدان

« (رو) کیف بزرگ تقریباً مکعب مستطیل مشکی که معمولاً در آن لباس و لوازم شخصی سفر را می‌گذارند» (انوری، ۱۳۸۲، ۱/ ۸۱). «جامه‌دان، صندوق چرمی و مسافرتی» (قریب، ۱۳۷۷: ۳۶۳؛ صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۴۳۷).

ایجاد روابط با جهان خارج سبب ورود کالاها و جناس جدیدی به ایران گردید که این کالاها و جناس با اسامی خود وارد ایران گردیدند و به همان نام‌ها نیز در جوامع رواج یافتند و به

مرور زمان بعنوان وام واژه‌ای تثبیت شده در زبان فارسی‌ای خود را باز کرده است. در بیت زیر ایرج میرزا خرید چمدان را به معنای کنایی آماده‌ی سفر شدن، بکار برده است دست و پا کن که خرید چمدان باید کرد فکر کالسکه راه همدان باید کرد (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۱۴)

### کالسکه

«(روسی) ۱- اتاکی چرخ‌دار برای حمل مسافر که توسط یک یا چند اسب کشیده می‌شود ۲- وسیله نقلیه کوچک چرخ‌دار برای حمل نوزاد» (عمید، ۱۳۵۹: ۹۳۴). «مأخوذ از روسی: گردون چهار چرخه اطاق‌دار» (دهخدا، ۱۳۳۰، ۳۹: ۲۴۴۰). «گردونه سواری که با اسب می‌کشند» (آموزگار، ۱۳۵۰: ۶۸۳)

کالسکه‌ها شکل متجدد شده کجاوه و عماری و یا گاری هستند که تحت تاثیر جوامع متجدد اروپایی در ایران رواج پیدا کرد و در شعر ایرج میرزا نمود یافته است  
پشت کالسکه مردم می‌جست      دل کالسکه‌نشین را می‌خست  
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۵۵)

### واکس

«(رو) ۱- ماده‌ای روغنی با رنگ‌های مختلف که کفش و چرم و جیر را با آن رنگ کرده و جلا می‌دهند ۲- ماده روغنی که با آن پارکت سنگ، لاستیک و مانند آنها را جلا می‌دهند» (انوری، ۱۳۸۲، ۲/ ۲۵۴۰). «ماده روغنی مرکب از دوده و چرمی و سولفات گوگرد که برای سیاه کردن کفش‌های چرمی بکار می‌رود» (عمید، ۱۳۵۹: ۱۲۴۹). «موم و چربی رنگارنگ که روی چرم مانند تابراق و با دوام شود» (آموزگار، ۱۳۵۰: ۹۵۷). «vaks: blanching-polish» (حییم، ۱۳۷۰: ۱۰۶۴).

کفش تو واکس زده جامه اطو خورده بُود      هر سحر کان را در پا کنی این را در بر

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۴)

## جدول بررسی بسامد وام واژگان فرانسوی و روسی در دیوان ایرج میرزا

وام واژه	نوع	بسامد	وام واژه	نوع	بسامد	وام واژه	نوع	بسامد
آرشیو	فر	۱	کابینه	فر	۲	دونل	فر	۱
آژان	فر	۱	کلوپ	فر	۱	رمان	فر	۱
پاراف	فر	۱	لاستیک	فر	۱	دوسیه و کارتین	فر	۳: دوسیه و ۲: کارتین
پرسنل	فر	۱	موتور	فر	۱	رستوران	فر	۱
پلیتیک	فر	۱	نت	فر	۱	ژاندارم و ژاندارمری	فر	۹: ژاندارم و ۸: ژاندارمری
پوتین	فر	۲	هتل	فر	۲	ژنرال	فر	۱
پلیس	فر	۶	اسکناس	رو	۱	ژیمناستیک	فر	۱
پودر	فر	۱	اتو	رو	۳	سیگار	فر	۴
ترن	فر	۱	چمدان	رو	۱	سینما	فر	۱
تلفن و تلگراف	فر	۱	کالسه	رو	۱	شیک	فر	۱
								تلفن: ۱ تلگراف: ۳
توالت	فر	۱	واکس	رو	۱	فابریک	فر	۱
دمکرات	فر	۱	*	*	*	کافه	فر	۱

### بسامد وام واژگان

بسامد	وام واژگان (زبان)
۶۴	فرانسوی
۷	روسی

پیش از این بیان گردید که زبان فارسی با توجه به داشتن خصوصیات یک زبان زنده و پویا و تحت شرایط و دوره‌های گوناگون، در طول تاریخ، همواره عرصه‌ی داد و ستد وام‌واژگانی با زبان‌های دیگر بوده است.

در این پژوهش، با توجه به بررسی‌های انجام شده در مورد بسامد وام‌واژگان از زبان‌های فرانسه و روسی در دیوان ایرج میرزا، می‌توان به روشنی برتری بسامدی وام‌واژگان فرانسه را بر وام‌واژگان روسی مشاهده کرد. البته این نکته نیز قابل تأمل است که بسامد وام واژگانی از زبان فرانسه نه تنها در شعر ایرج، بلکه در دیگر آثار علمی و ادبی دوره‌ی وی چشم‌گیرتر از دیگر وام واژگان از زبان‌های غربی و اروپایی، خصوصاً روسی و انگلیسی است. البته وجود وام واژگان بیگانه در زبان فارسی به دلیل وجود پیشینه‌های تاریخی‌ای چون روابط گوناگون سیاسی، نظامی و فرهنگی و یا حتی تنش‌های احتمالی با دیگر ملّت‌ها، طبیعی و عادی بنظر می‌رسد. اما وقتی استفاده و استناد فراوان به دسته‌ای از وام‌واژگان از یک زبان خاص و در یک دوره‌ی زمانی، در زبان عامه و مکتوبات علمی و ادبی مشاهده می‌گردد، باید توجیحی خاص و منطقی را به همراه داشته باشد. ایران و جماهیر روسیه دو کشور همسایه‌ای محسوب می‌گردند که روابط آنها در طول تاریخ دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است، روس‌ها همواره بچشم غارت و بهره‌وری از ایران ایجاد روابط و تنش کرده‌اند تا جایی که تأثیر این -



گونه تنش آفرینی‌ها باعث گردیده که «پیشینه‌ی ادبیات ضد استعماری به دوره‌ی جنگ‌های روسیه و ایران باز گردد که در آغاز ادب جهادی نامیده می‌شد» (ذاکر حسین، ۱۳۷۹: ۶۸).

اما روابط ایران با فرانسه شکل متفاوتی از این دست داشته است که شاید بخش عمده‌ی تأثیرپذیری زبان فارسی از زبان فرانسه به‌خاطر همین سلسله روابط باشد. علاقه فارسی‌زبانان به وام‌گیری از واژه‌هایی زبان فرانسوی، خود بحث و مجال دیگری را می‌طلبد که مفصل مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، اما ما در اینجا با توجه به مبحث مورد پژوهش، به‌صورتی مجمل، برخی از دلایل گرایش به زبان فرانسه را مورد تفحص قرار می‌دهیم.

### روابط فرهنگی میان ایران و فرانسه

آغاز روابط میان ایران و فرانسه را می‌توان از سال ۱۲۹۲ میلادی که سفیری از جانب ارغون-خان به دربار فیلیپ لویل، پادشاه فرانسه اعزام شده، دانست (ر. ک علی بابایی، ۱۳۷۸: ۲۳-۶۱). اما با توجه به برخی از شواهد تاریخی و فرهنگی نمی‌توان این تاریخ را مبدأ روابط و مناسبات ایران با فرانسه دانست. تا اواسط قرن هفدهم میلادی موانع متعددی بر سر راه رسیدن اروپائیان به ایران و ایرانی‌ها به اروپا وجود داشت (همان: پیشین). به همین دلیل می‌توان آغاز روطب جدی میان ایران و فرانسه مربوط به دوره‌ی حکومت صفویان بوده است و «نخستین گام در مورد روابط میان فرانسه و ایران عصر صفوی در دوره‌ی شاه عباس اول برداشته شد» (نویسی، ۱۳۶۳: ۲۶).

روابط میان ایران و فرانسه در طول این زمان فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است و در این بین روابط گوناگون سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی مابین دو کشور بر قرار گردیده است و البته با توجه به تاریخ گرایش ایرانیان به ایجاد ارتباط با فرانسه بیشتر سایر کشورهای غربی بوده است. روابط فرهنگی ایران و فرانسه از زمان فتحعلی شاه و آمدن ژنرال گاردان و همراهانشان به ایران آغاز شد. سپس معلم‌های فرانسوی در مدرسه دارالفنون ایران و شاگردان ایرانی در مدارس فرانسوی به تعلیم و تعلم مشغول شدند. هفت سال پس از تأسیس دارالفنون، دولت چهل و دو تن از بهترین فارغ‌التحصیلان‌ها را برای آموختن فنون مختلف به

فرانسه اعزم داشت که در سال ۱۲۳۷ شمسی وارد پاریس شدند و پس از خاتمه تحصیلات به ایران بازگشتند. در سال ۱۳۹۰ نیز مدارس پسرانه‌ی سن‌لویی و دخترانه ژندراک در تهران تأسیس شد (ر. ک علی بابایی، ۱۳۷۸: ۶۳-۲۱).

اینگونه داد و ستدهای فرهنگی یکی از اصلی‌ترین دلایل بسیاری وام‌واژگان فرانسه در زبان فارسی است. تا جایی که خود ایرج میرزا نیز بعد رسیدن به سن بلوغ و و مقدمات یادگیری «به مدرسه‌ی دارالفنون تبریز رفت و در آنجا به آموختن زبان فرانسه اهتمام ورزید» (حسینی کازرونی، ۱۳۸۶: ۲۷۳).

یکی دیگر از دلایل بسامد وام‌واژگان فرانسوی در زبان فارسی زبان ترجمه‌های متون گوناگون به فارسی است. ترجمه‌ها تا اوایل دهه‌ی سی، عمدتاً از طریق زبان فرانسه صورت می‌گرفت (کمال، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱).

مجموعه‌ی این عوامل فرهنگی و دیگر دلایل باعث گردید که گرایش به زبان فرانسه در میان اқشار تحصیل کرده که زبان معیار علمی و مکتوب جامعه هستند، بیشتر از زبان‌های دیگر باشد. اما در مورد ایرج میرزا، همین «آشنایی با زبان فرانسوی و دیدن زندگی مردم اوپا، ایرج میرزا را مردی آزادفکر و متجدد و ترقی‌خواه بار آورد» (حسینی کازرونی: ۲۷۵). طبیعتاً این چنین روحیاتی بر زبان ایرج میرزا نیز تأثیر گذاشته است و باعث گرایش زبانی وی به استفاده از وام‌واژگان فرانسه نسبت به روسی بوده است.

### نتیجه‌گیری

با بررسی و کاوش در دیوان ایرج میرزا می‌توان به آسانی دریافت که زبان شعر وی، و به طور گسترده‌تر زبان فارسی آن عصر، عرصه ورود و گاه صدور واژه‌هایی بوده است که به عنوان وام‌واژه، داد و ستد زبانی می‌شدند. در این بین با توجه به تأثیر و پیشینه قوی بن‌مایه‌های تاریخی، اعتقادی و مذهبی که عامل ورود بسیاری از وام‌واژه‌گان عربی به زبان فارسی است و

نیز تأثیرپذیری بی چون و چرای زبان ترکی که زبان مادری شاعر است، وام واژگان عربی و ترکی حضور پررنگ تری در زبان و شعر ایرج دارند. اما نمود وام واژگان از دیگر زبان‌ها، خصوصاً زبان‌های غربی و اروپایی به عنوان داد و ستدی نو در زبان فارسی، در شعر ایرج میرزا دراری نمود ویژه‌ای است. این گونه وام واژگان که به نوعی نشان‌دهنده روند متفاوت و جدیدی از ورود واژگان بیگانه به زبان فارسی است، در قدم نخست بیان‌کننده این امر است که سمت و سوی تمایل و داد و ستد زبان فارسی در این دوره از حوزه جغرافیایی خود به سوی حوزه جغرافیایی جدیدی گرایش یافته است که البته مؤلفه‌هایی چون علم، صنعت، سیاست و... اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری این تمایل است. در این بین در دیوان ایرج میرزا دریافت وام واژگان از دو زبان شاخص و تأثیر گذار آن دوره؛ یعنی زبان فرانسه و روسی، به ترتیب بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند؛ در این بین می‌توان به بیست و یک وام واژه از زبان فرانسه مانند: آرشیو، پاراف، پرسنل، پوتین پودر، ترن، دمکرات و... در دیوان ایرج اشاره کرد؛ همچنین در دیوان ایرج میرزا وام واژگانی چون: اسکناس، اتو، چمدان، کالسکه و واکس از زبان روسی دیده می‌شود که تعداد آن‌ها پنج وام‌واژه است. اما نکته دیگری که در مورد نمود وام واژگان فرانسوی و روسی در دیوان ایرج میرزا دارای اهمیت است، نوع این وام واژگان است که خود بیان‌کننده نوع روابط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... ایران آن دوره با این دو کشور است؛ به همین خاطر از روی بسامد وام واژگان فرانسوی که در بیشتر موارد بر مؤلفه‌های اداری و سیاسی تأکید دارند، می‌توان گفت که تأثیرپذیری فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران آن روز از فرانسه بیش از هر چیز حول محور همین مسائل اداری و سیاسی شکل گرفته است و با توجه به نمود آن دسته از وام واژگان روسی که بیشتر شامل وسایل و ابزارآلات هستند، می‌توان گفت که ارتباط ایران با آن کشور در آن روزها بیشتر دارای جنبه اقتصادی و صنعتی بوده است.

### منابع

۱- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۶)، وام واژه‌های فارسی در نشوار المحاضرة تونخی، نامه فرهنگستان، شماره ۳۴.

- ۲- آریان‌پور، منوچهر (۱۳۸۷)، فرهنگ انگلیسی - فارسی پیشرو آریان‌پور، تهران: شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- ۳- آریان‌پور کاشانی، عباس (۱۳۷۰)، فرهنگ کامل جدید انگلیسی به فارسی، چاپ پنجم، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۴- آریز پور، یحیی (۱۳۵۰)، از صبا تا نیما، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۵- آموزگار، حبیب‌الله (۱۳۵۰)، فرهنگ آموزگار، تهران: نشر معرفت.
- ۶- ایرج میرزا (۱۳۵۳)، دیوان، تحقیق محمد حسین محبوب، تهران: نشر اندیشه.
- ۷- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن، تهران: انتشارات سخن.
- ۸- برقعی، سیدمحمد باقر (۱۳۲۹)، سخنوران نامی معاصر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۹- پارسای، کامروز (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی - فرانسه دانشیار، تهران: دانشیار.
- ۱۰- پارسایار، محمدرضا (۱۳۸۰)، فرهنگ معاصر فرانسه - فارسی، چاپ اول، تهران: فرهنگ.
- ۱۱- حاتمی، سعید و پروانه قهقرايي (۱۳۹۱)، «مقام زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی، ایرج میرزا و عارف قزوینی»، مجله زن و فرهنگ، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۶۵-۸۰.
- ۱۲- حائری، سیدهادی (۱۳۶۶)، افکار و آثار ایرج میرزا، چاپ دوم، تهران: جاویدان.
- ۱۳- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۸۶)، شاعران بزرگ ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات ارمغان.
- ۱۴- حیم، سلیمان (۱۳۷۰)، فرهنگ بزرگ فارسی - انگلیسی، چاپ نهم، تهران: کیهان.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰) لغتنامه، تهران: سیروس.
- ۱۶- ذاکر حسین، عبدالرحمن (۱۳۷۹)، ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادی‌بخش، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۷- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۸۱)، «وام واژه‌ها در زبان ژاپنی»، مجله نامه فرهنگستان، شماره ۱۹، صص ۲۷-۵۳.
- ۱۸- سبزیان‌پور (۱۳۸۷)، «در مقاله «مضامین شعر و ادب عربی در دیوان ایرج میرزا»، مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۹، صص ۱۵۸-۲۰۸.
- ۱۹- صارمی، سهیلا (۱۳۸۶)، «کارکرد زبان در شعر ایرج میرزا»، مجله زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، شماره دوم، صص ۸۳-۱۰۲.

- ۲۰- صدری افشار، غلامحسین و همکاران(۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی امروز، چاپ دوم، تهران: انتشارات کلمه.
- ۲۱- صفا، ذبیح الله (بی تا)، گنج سخن، تهران: انتشارات ابن سینا.
- ۲۲- علی بابایی، غلامرضا(۱۳۷۸)، نگاهی به مناسبات ایران و فرانسه، مجله‌ی سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۷۸، صص ۶۱-۲۳.
- ۲۳- عمید، حسن(۱۳۵۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: سپهر.
- ۲۴- فرشیدورد، خسرو(۱۳۸۷)، دستور مختصر تاریخی زبان فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات زوار.
- ۲۵- قریب، محمد(۱۳۷۷)، واژه‌نامه نوین، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات بنیاد.
- ۲۶- کاتوزیان، محمدعلی(۱۳۷۳)، فرهنگ کاتوزیان، چاپ دوم، تهران: مؤسسه نشر یلدا.
- ۲۷- کمالی، محمدجواد(۱۳۹۲)، تاریخ ترجمه‌ی ادبی از فرانسه به فارسی، تهران: انتشارات سخن گستر.
- ۲۸- محبوب، محمدجعفر(۱۳۵۳)، تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، چاپ سوم، تهران: نشر اندیشه.
- ۲۹- محمدی ملایری، محمد(۱۳۸۴)، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات توس.
- ۳۰- محمدی، محمد رضا و ناهید عبدالتاج‌دینی(۱۳۹۲)، «وام واژه‌های روسی در زبان فارسی و فرهنگ بزرگ سخن»، مجله جستارهای زبانی، سال چهارم، ش سوم، صص ۱۵۵-۱۷۸.
- ۳۱- مدرسی، یحیی(۱۳۹۱)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۳۲- معلم، مرتضی(۱۳۶۲)، فرهنگ کامل جدید فارسی- فرانسه، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ۳۳- معین، محمد(۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی، چاپ پنجم، تهران: سپهر.
- ۳۴- میرزایی، فرامرز و مریم رحمتی ترکشوند(۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل برخی از وام‌واژه‌های فارسی دیوان ابی‌نواس»، لسان مبین، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۱۷-۲۴۳.
- ۳۵- نادرپور، نادر(۱۳۵۲)، ایرج نام‌آور ناشناخته، مجله سخن، شماره ۲۳.
- ۳۶- نوائی، عبدالحسین(۱۳۶۳)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره‌ی صفویه، تهران: انتشارات سمت.
- ۳۷- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی(۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی ۱، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- ۳۸- یوسفی، غلامحسین(۱۳۶۹)، چشمه روشن، تهران: انتشارات علمی.